

محاكمه متهمان دزدی دریایی در دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC)

دکتر سیدسجاد کاظمی* - سجاد حیدری**

چکیده

امروزه پدیده دزدی دریایی نوین به عنوان یکی از چالش‌های جدی در آبراه‌های بین‌المللی محسوب می‌گردد. جامعه بین‌المللی با وجود تلاش‌های مستمر در محاکمه مرتکبان این پدیده در محاکم داخلی، نتوانسته از این طریق با پدیده مزبور به طور موثر مقابله نماید. یکی از راهکارهای بالقوه که اخیراً مطرح گردیده رسیدگی دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) به جرم دزدی دریایی است. این پژوهش درصدد پاسخگویی به این پرسش‌ها است که با توجه بحران ایجاد شده در اثر بازگشت دزدان دریایی به آبراه‌های بین‌المللی، در راستای محاکمه دزدان دریایی در شرایط فعلی چه چالش‌ها یا چالش‌هایی فراروی صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی برای محاکمه متهمان دزدی دریایی وجود دارد؟ و در ادامه اینکه چه راهکار یا راهکارهایی برای رفع این چالش‌ها و موانع متصور می‌باشد؟ پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای قصد بررسی موضوع و یافتن پاسخی برای پرسش فوق را دارد. به طور کلی می‌توان گفت که اگرچه محاکمه متهمان به دزدی دریایی در دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) می‌تواند یک راهکار بلندمدت با اثرات مثبت ارزیابی شود، اما این راهکار نیز در عرصه بین‌المللی با چالش‌هایی از قبیل عدم ذکر جرم دزدی دریایی در اساسنامه دادگاه، فقدان ظرفیت حقوقی، ارتباط مکانی و هزینه‌های بالای مالی مواجه بوده و البته راهکارهایی نیز برای رفع این چالش‌ها مطرح است که این پژوهش تلاش دارد این چالش‌های و راهکارها را به نقد و بررسی بگذارد.

کلیدواژگان

بی‌کیفرمانی، دادگاه کیفری بین‌المللی، دزدی دریایی، تجارت دریایی.

* نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ملایر، ملایر، همدان، ایران / ایمیل:

sskazemi92@malaveru.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. / ایمیل:

info.sajjad.heidari@gmail.com

مقدمه

در شرایط حاضر، تعقیب و محاکمه مرتکبان دزدی دریایی^۱ که پس از یک دوره فترت مجدداً آبراه‌های بین‌المللی را عرصه تاخت و تاز خود قرار داده اند تماماً برعهده دادگاه‌های ملی قرار گرفته است. این محاکم براساس صلاحیت ذاتی «صلاحیت شخصی، واقعی، سرزمینی و جهانی» (خالقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۹) و یا براساس موافقتنامه‌های انتقال به عنوان کشور ثالث (به عنوان نمونه کشور کنیا یا تانزانیا)، اقدام به محاکمه متهمان دزدی دریایی می‌کنند و هیچ دادگاه بین‌المللی و یا منطقه‌ای ویژه دزدی دریایی تشکیل نیافته است. اما در سالهای اخیر و با افزایش حملات دزدان دریایی در نقاط دریایی مختلف دنیا که بخش وسیعی از منافع کشورها را مورد حمله قرار داده است، اقدامات مختلفی یا اجرایی شده یا پیشنهاد بکارگیری آنها مطرح گردیده است. برخی از این اقدامات عبارتند از؛ بسیاری از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران نیروی نظامی خود را به مناطق درگیر دزدی دریایی گسیل داشته‌اند (سجادپور و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰)، برخی کشورها با انعقاد موافقتنامه‌هایی با کشورهایمانند کنیا، تانزانیا و جمهوری سیشل موضوع محاکمه دزدی دریایی را به این کشورها واگذار کرده‌اند (کوشا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۶)، شورای امنیت سازمان ملل بارها و بارها با صدور قطعنامه (۱۸ قطعنامه تا به امروز) «دزدی دریایی را خطری برای صلح و امنیت بین‌المللی دانسته» (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۵)، پاره‌ای نویسندگان پیشنهاد همسان‌انگاری دزدی دریایی با تروریسم را در راستای مقابله بهتر و موثرتر با این پدیده ارائه داده‌اند (پوربافرانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۷)، به علاوه پیشنهادهایی از جانب پاره‌ای کشورهای سازمانهای بین‌المللی و البته نویسندگان حقوقی شامل تشکیل یک دادگاه بین‌المللی یا منطقه‌ای ویژه دزدی دریایی (پیشنهادی از جانب شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ۲۳۱۶ سال ۲۰۱۶)^۲ و همچنین اضافه شدن این جرم به جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی مطرح گردیده است.

هدف پژوهش حاضر این است که تا با بررسی ابعاد مختلف جرم دزدی دریایی و همچنین ساختار و اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی به دنبال دستیابی به راهکاری فراملی و بین‌المللی برای مقابله با بی‌کیفرمانی دزدان دریایی سالانه میلیون‌ها دلار به تجارت بین‌المللی آسیب وارد می‌آورند و محاکمه ایشان باشد و پرسش یا پرسش‌هایی نیز در این راستا مطرح است؛ آیا می‌توان از ظرفیت محاکم بین‌المللی به ویژه دادگاه کیفری بین‌المللی برای محاکمه مرتکبان دزدی دریایی نیز بهره گرفت؟ و به فرض اعمال صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به اتهام مرتکبان دزدی دریایی چه چالش یا چالش‌هایی اینگونه محاکمات را تهدید می‌کند؟ و در آخر

^۱ - Piracy

^۲ - (S/RES/2316 (2016), p. 8, para.19).

اینکه آیا راهکارهایی برای رفع چالش‌های فراروی رسیدگی دادگاه کیفری بین‌المللی به اتهامات مرتکبان دزدی دریایی قابل ارائه است یا خیر؟.

فرضیه‌ای که پژوهش حاضر درصدد آزمون آن برآمده این است که «دادگاه کیفری بین‌المللی به عنوان یک راهکار مناسب برای محاکمه دزدان دریایی به شمار می‌آید که علی‌رغم موانع و چالش‌هایی که بر سر راه عملی‌سازی این ایده وجود دارد اما برای رفع این موانع نیز راهکارهایی قابل ارائه است». توضیح اینکه اگرچه تاکنون و به خاطر عوامل مختلف، رسیدگی محاکم بین‌المللی به جرم دزدی دریایی نتوانسته رنگ واقعیت و جامه عمل به خود بگیرد اما دور از انتظار نیست که با ادامه وضعیت نگران‌کننده فعلی دزدی دریایی در مناطق مختلف دنیا و با بر طرف شدن برخی موانعی که این راهکارها با آن مواجه هستند که مهمترین آنها عزم راسخ و اراده دولت‌ها در قدم گذاشتن در این راه موثر برای مبارزه اصولی با پدیده دزدی دریایی می‌باشد، یکی از این راه حل‌ها یعنی اصلاح اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی و قرار گرفتن جرم دزدی دریایی در شمار جرایم در صلاحیت این دادگاه مورد استقبال کشورها قرار بگیرد. بنابراین در پژوهش پیش رو به روش توصیفی و تحلیلی و با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای این راهکار بالقوه پیشنهادی مورد بررسی قرار گرفته و موانع، چالش‌ها و مزایای پیش روی استفاده از آن در راستای پیشگیری از بی‌کیفرمانی مرتکبان دزدی دریایی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۱- پیشینه پژوهش

جستجو برای یافتن پژوهشی منطبق با موضوع مقاله حاضر حاصلی نداشته است اما چند مورد پژوهش که بی‌ارتباط با این مقاله نیستند طی چند ساله اخیر انجام گرفته که می‌توان از برخی داده‌ها و مطالب ایشان در راستای غنای کار بهره گرفت؛

زکی‌خانی (۱۳۹۱) در کتابی تحت عنوان «تحول مقابله با دزدی دریایی از منظر حقوق بین‌الملل»، به ارزیابی دزدی دریایی نوین و مجموعه راهکارهای مقابله با آن از منظر حقوق بین‌الملل پرداخته است. در این کتاب، با بررسی تعریف مصرح در کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ به نقد مفهوم ارائه شده از دزدی دریایی در این سند پرداخته شده و در انتها علاوه بر ضروری دانستن موضوع گشتزنی دریایی برای مقابله با دزدی دریایی در کوتاه مدت، لزوم همکاری بین‌الدولی میان کشورها را یادآور ساخته است.

خالقی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیلی بر صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به جرم دزدی دریایی»، به بررسی صلاحیت محاکم کیفری ایران در فروع مختلف ارتکاب دزدی دریایی پرداخته و در آخر نیز نتیجه‌گیری شده است علی‌رغم اینکه کشور ما در حال حاضر عضو کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ نمی‌باشد اما مطابق مقررات عرفی و همچنین مواد ۳ الی ۹ قانون مجازات اسلامی در برخی فروع قابلیت و صلاحیت رسیدگی به اتهامات

مرتکبان دزدی دریایی دستگیر شده را دارد.

پوربافرانی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر یکسان‌انگاری جرم دزدی دریایی با تروریسم (با تأکید بر دزدی دریایی سواحل سومالی)»، با بیان اینکه یکی از چالش‌های مقابله با دزدی دریایی ناکارآمدی ابزارهای مقابله با آن، مندرج در کنوانسیون حقوق دریاهاست لذا برای مبارزه جدی با دزدی دریایی نیاز به ابزارهایی فراتر از این کنوانسیون است. یکی از آن‌ها یکسان‌انگاری دزدی دریایی با تروریسم است. استفاده از کنوانسیون‌های ضد تروریستی برای مقابله با دزدی دریایی باعث برطرف شدن بسیاری از محدودیت‌های قوانین دزدی دریایی و مقابله موثرتر با آن خواهد شد.

۲- چارچوب نظری پژوهش

پاره‌ای صاحب‌نظران مانند آنتونیو کسسه^۱ برخلاف دیگران که محاکم بین‌المللی را برای رسیدگی به جرایم ارتكابی بهترین شیوه می‌دانند براین نظر هستند که «دادگاه‌های ملی بهترین مکان برای انجام رسیدگی‌ها می‌باشند» (کسسه، ۱۳۹۴: ۲۷۶). حداقل دو دلیل برای این نظر وجود دارد: اول، محاکم ملی معمولاً از نظر مکانی به محل وقوع جرم نزدیکتر هستند از اینرو آنها دسترسی بیشتری به ادله ضروری برای تعقیب جرم هستند. دسترسی به متهم، قربانیان جرم، شهود و دیگر ادله از این قبیل می‌باشند. به علاوه از آنجایی که دادگاه‌های ملی نزدیکتر به محل وقوع جرم یعنی جایی هستند که ارزشها و هنجارهای آن در نتیجه جرم نقض شده است، پس دادگاه ملی بهتر می‌تواند احساس برقراری عدالت را به جامعه رنج دیده از جرم بازگرداند. دوم، رسیدگی در دادگاه‌های داخلی اغلب کمتر هزینه بر می‌باشد.

با وجود تمامی این دلایل اتکا به محاکم داخلی برای تعقیب جرایم شدیدی که جامعه بین‌المللی را تحت تاثیر قرار داده است با مشکلاتی نیز روبرو می‌باشد. اول، محاکم داخلی ظرفیت حقوقی کافی و تجربه لازم برای رسیدگی به جرایم مهم بین‌المللی را ندارند. به عنوان نمونه بعضی کشورها از قانونگذاری کافی برای تحت‌الشمول قرار دادن تمامی جرایم بین‌المللی برخوردار نیستند. حتی اگر چنین مشکلی نیز حل بشود، برگزاری این گونه محاکمات برای محاکم داخلی پیچیده و دشوار می‌باشد. پلیس، دادستانی و قضات خواه به دلیل نوع جرم ارتكابی یا حضور افرادی از کشورهای مختلف در پرونده با مشکلات فراوانی مواجه گردند.^۲ دوم،

^۱ - Antonio Cassese

^۲ - کشور کنیا که از سال ۲۰۰۶ و با انعقاد موافقتنامه‌های انتقال مرتکبان دزدی دریایی با کشورهای مختلف، شروع به محاکمه آنها نموده است در سال ۲۰۱۰ به دلیل همین مشکلات و عدم کارایی و توانایی سیستم قضایی این کشور در محاکمه این حجم از متهمان و بروز مشکلات مختلف از پذیرش اینگونه متهمان سرباز زد. البته مجدداً و با قول‌هایی که برای مساعدت مالی و حقوقی از سوی کشورهای مختلف دریافت نمود اینکار را مجدداً از سر گرفت.

همچنین «برای محاکم ملی دشوار خواهد بود که بدون تعصب و بی طرفانه به پرونده و جرم رسیدگی نمایند» (Joyner, 2009: 422). ملتها نسبت به محاکمه اتباع خود حساسیت زیادی دارند و این حساسیت‌ها ممکن است در نتیجه کار دادگاه اثرگذار باشد. همچنین صرفنظر از رعایت بی طرفی دادگاه، در اکثر موارد روال دادرسی در محاکم داخلی به گونه‌ای نیست که بتواند حقوق متهم را حفظ نماید.

مشکلات موجود در دادگاههای داخلی برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی باعث گرایش بیشتر کشورها به استفاده از دادگاههای بین‌المللی به عنوان مراجعی برای پیگیری جرایم شدید بین‌المللی گردیده است.^۱ محاکم بین‌المللی می‌توانند ظرفیت حقوقی مناسبی را برای خود ایجاد نمایند (مقررات، قضاوت و کادر اداری مناسب). بعلاوه محاکم بین‌المللی قادرند به نحو بهتری حقوق متهم را رعایت نموده و با بی طرفی و عدالت به اتهامات فرد رسیدگی نمایند و قضاوت ارتباطی با کشوری که جرم در آنجا ارتکاب یافته و یا دولت متبوع متهم است، ندارند. به خصوص که برخی قواعد بین‌الملل، به دلیل اهمیت و ارزش خود، برتر از اراده دولت‌ها هستند و جنبه آمره دارند (اسماعیل‌نسب، ۱۳۹۸: ۱۲۸). سوم، محاکم بین‌المللی نه تنها می‌توانند مقتضیات دادرسی عادلانه را بهتر رعایت کنند می‌توانند به یکسان سازی حقوق کیفری و مجازات‌ها و متحد الشکل شدن آنها نیز کمک کنند.

استمرار در جریان و حضور دزدی دریایی در آبراه‌های بین‌المللی از جمله خلیج عدن، تنگه باب‌المندب و تنگه مالاکا باعث گردیده به مرور زمان صاحب نظران حقوق بین‌الملل نظرات نوینی برای محاکمه مرتکبان این اعمال ارائه دهند. ضرورتی که بکارگیری این نظرات جدید را دو چندان می‌سازد، عدم محاکمه موثر دزدان دریایی در محاکم داخلی و همچنین نبود محاکم بین‌المللی خاصی برای پیگیری و انجام این محاکمات است. متأسفانه به خاطر عدم تمایل دولت‌ها برای محاکمه دزدان دریایی تمامی اقدامات در مواجهه با این مجرمان به شکست انجامیده است و اگرچه در کوتاه مدت از لحاظ آماری کاهش نسبی حملات را باعث شده اما این روند کاهش گذرا و کوتاه مدت بوده و در صورتی که دولت‌ها راهکار موثری برای محاکمه دزدان دریایی دستگیر شده در پیش نگیرند، مطمئناً هیچ چشم انداز روشنی حتی در بلندمدت برای حذف و یا کاهش موارد بروز این پدیده نمی‌توان متصور بود. براساس آمارهای موجود تا سال ۲۰۱۶ نزدیک به ۲۰۰۰ متهم به دزدی دریایی در بیش از بیست کشور در بازداشت و بلا تکلیفی بسر می‌برند (Huang, 2016: 76). این آمار را باید به تعداد بسیار زیاد مرتکبانی اضافه نمود که بعد از دستگیری توسط ناوگان دریایی کشورها، و به خاطر عدم تمایل به محاکمه از سوی کشورها، بدون هیچ گونه محاکمه خاصی در سواحل محل دستگیری آزاد شده‌اند و یا آنهایی که از سوی

^۱ - این گرایش و طرفداری از تشکیل دادگاههای بین‌المللی را می‌توان در حمایت و امضا اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۸ از سوی ۱۲۰ کشور مشاهده نمود.

نیروی دریایی در دریا غرق شده اند. مطمئناً اگر یک مرکز ویژه رسیدگی به دزدی دریایی وجود داشته باشد تمامی دولت‌ها با دستگیری دزدان مجبور نخواهند بود آنها را بدون محاکمه رها نمایند و یا با صرف هزینه‌های فراوان و انعقاد موافقتنامه با کشورهای هم‌چون کنیا، آنها را به این نوع کشورها انتقال دهند.

یکی از سه راه حل مطرح در خصوص تقویت ساختار قضایی در برخورد با جرم دزدی دریایی؛ بررسی امکان محاکمه متهمان به ارتکاب دزدی دریایی نزد دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) و اعمال صلاحیت بین‌المللی این دادگاه است که در ادامه مهمترین موانع و البته راه حل‌های رفع این موانع پیش روی این دادگاه در رسیدگی به جرم دزدی دریایی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۳- چالش‌های پیش‌روی محاکمه دزدان دریایی در «دادگاه کیفری بین‌المللی»^۲

صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی شامل شدیدترین و به واقع فجیع‌ترین جنایاتی است که همواره دغدغه و نگرانی جامعه بین‌المللی بوده است. به موجب ماده ۵ اساسنامه، دیوان نسبت به رسیدگی به چهار جرم صلاحیت دارد: نسل‌کشی، جرایم علیه بشریت، جنایت جنگی و تجاوز. دیوان پس از تاسیس، صلاحیت رسیدگی به هر چهار جرم را در صورتی که پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه ارتکاب یافته باشند، خواهد داشت. اگرچه در مذاکرات منجر به تصویب به اساسنامه دیوان، جرایم دیگری مانند قاچاق مواد مخدر و تروریسم نیز مورد پیشنهاد قرار گرفت اما در نهایت همین چهار جرم پذیرفته شد ولی قرار بر این شد که «هر چند سال یکبار با برگزاری نشست‌هایی میان اعضا در مورد مقررات دیوان و جرایم در صلاحیت مجدداً بحث و بررسی صورت گیرد» (دیپیم، ۱۳۸۴: ۱۲).

همانگونه که کاملاً مشخص است جرم دزدی دریایی در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار ندارد. اگرچه در صورت تمایل و تصمیم دولت‌های عضو اساسنامه و همچنین استمرار وضعیت نگران‌کننده فعلی در خصوص دزدی دریایی این جرم نیز می‌تواند در شمار جرایم

^۱ - تشکیل دادگاه بین‌المللی ویژه دزدی دریایی (طرح پیشنهادی دولت اکراین)، تشکیل محاکم منطقه ای اختصاصی دزدی دریایی در مناطق خطر (تقی زاده، ۱۳۹۱: ۹۷) و اعمال صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی بر دزدی دریایی.

^۲ - International Criminal Court

^۳ - اساسنامه این دیوان ۱۷ ژوئن سال ۱۹۹۸ به تأیید نمایندگان ۱۲۰ کشور در شهر رم رسید و پس از تصویب ۶۰ کشور از اول جولای سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد. حدود ۱۱۰ کشور عضو اساسنامه دیوان هستند و بیشتر از ۱۴۰ کشور اساسنامه را امضاء کرده‌اند. مقر این دادگاه دائمی بین‌المللی در شهر لاهه قرار دارد. کشور جمهوری اسلامی ایران نیز جزو کشورهای امضاکننده اساسنامه بوده که تاکنون اقدام به تصویب آن در مجلس شورای اسلامی ننموده است.

مشمول صلاحیت دیوان قرار بگیرد. دلایلی که می‌تواند تقویت کننده قرار گرفتن دزدی دریایی در صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی باشد متعددند. به عنوان یک بحث نظری می‌توان گفت جرایمی که در اساسنامه دیوان ذکر شده اند جزء جرایم شدید قرار دارند؛ دزدی دریایی نیز یک جرم شدید و مهم قلمداد می‌شود که براساس حقوق بین‌الملل عرفی شکل گرفته و اولین جرمی است که صلاحیت جهانی درباره آن شکل گرفته است. واقعیت اینست که دزدی دریایی نوین بسیاری از خشونت‌های مشابه و اعمال وحشیانه مانند قتل، آدم‌ربایی و گروگان‌گیری (که در ژنوسید، جرایم علیه بشریت و دیگر جرایم داخل در صلاحیت دیوان نیز وجود دارند) را در خود دارد. علاوه بر این، دزدی دریایی شبیه دیگر جرایم در صلاحیت دیوان کاملاً با رژیم صلاحیت تکمیلی دیوان سازگار است، با این توضیح که دیوان در صورتی صلاحیت خود را اعمال خواهد کرد که دولت صلاحیت دار نخواهد یا نتواند جرم را تعقیب بنماید. همانطور که دیوان خلاء صلاحیتی راجع به جرایم قبلی را پر نموده می‌تواند خلا موجود درباره دزدی دریایی را نیز پر نماید، لذا دزدی دریایی می‌تواند به شمار جرایم در صلاحیت دیوان اضافه گردد (Dutton, 2010: ۲۲۳). اما اینکار از لحاظ نظری و عملی با موانع و چالش‌هایی مواجه می‌باشد که به آنها اشاره شده و تلاش می‌شود پاسخ‌هایی نیز برای آنها ارائه گردد:

۳-۱- ارتباط مکانی دادگاه با جرم دزدی دریایی

اولین ایراد مطرح در خصوص امکان رسیدگی به جرم دزدی دریایی در دادگاه کیفری بین‌المللی، بعد مکانی نسبتاً زیاد بین محل وقوع جرم یعنی آبهای آزاد و مقر دادگاه یعنی لاهه است. البته بایستی گفت که در جرم دزدی دریایی بسیار غیرمحمول است که حتی یک دادگاه داخلی از نظر مکانی نزدیک به محل ارتکاب جرم و ادله لازم برای برگزاری محاکمه وجود داشته باشد. حملات دزدان دریایی عملاً قربانیان و شهود بسیاری از کشورها را درگیر می‌کند. علاوه بر این، جرم معمولاً در هزاران مایل دورتر از دولت‌هایی اتفاق می‌افتد که مستقیماً از این حملات آسیب دیده‌اند؛ دولت‌هایی که کشتی یا برخی کالاهای آن متعلق به آنهاست یا قربانیان تبعه آنها هستند. در یکی از این پرونده‌های دزدی دریایی که در ایالت نیویورک امریکا مورد رسیدگی قرار گرفت، حمله علیه یک کشتی تحت پرچم ایالات متحده، کشتی ماریسک آلاباما، در آبهای نزدیک کشور سومالی و توسط دزدان سومالیایی ارتکاب پیدا کرد. بنابراین پرونده دور از کشور متبوع متهمان مورد بررسی قرار گرفت. ادله و مدارک و شهود در دادگاه نیویورک مطرح و در نهایت مرتکبان دوران محکومیت خود را در آمریکا می‌گذرانند (Elleman, 2017: ۱۶۶). بعلاوه اگرچه کشور سومالی به این جرم و بسیاری موارد دیگر از دزدی دریایی از نظر مکانی نزدیک است اما محاکم این کشور آمادگی و توانایی برگزاری محاکمات اینچنینی را

¹ - Maersk Alabama

ندارند. کشور سومالی بیشتر از دو دهه است که درگیر جنگ‌های داخلی است. علاوه بر این، مشکل است که بتوان به کنیا برای پرکردن خلاء بی‌کیفیری فعلی تکیه نمود. این کشور فاقد ظرفیت و تجربه لازم برای برگزاری رسیدگی به پرونده‌های دزدی دریایی با تعداد متهمان بالاست، همچنین اصول دادرسی منصفانه و رعایت موضوعات حقوق بشری در محاکمات این کشور همیشه با انتقادات فراوان روبرو بوده است (Archibugi, 2016: 312).

پس می‌توان گفت اینکه حتماً لازم باشد پرونده دزدی دریایی در یک دادگاه داخلی مورد رسیدگی قرار گیرد از اهمیت کمتری برخوردار است. برخلاف دیگر جرایم بین‌المللی مانند ژنوسید که علیه یک نژاد و یا قومیت خاص ارتکاب می‌یابند، دزدی دریایی علیه بسیاری از کشورها و قربانیان از کشورهای مختلف اتفاق پیدا می‌کند و به همین دلیل که دزدان دریایی به اتباع و کشتی‌های همه کشورها بدون قائل شدن تبعیض حمله می‌کنند است که برای این جرم صلاحیت جهانی مقرر شده است. همچنین «در سال ۱۸۴۴ دادگاه عالی آمریکا دزدی دریایی را جرمی بر علیه تمامی انسانها دانسته و بر آن صلاحیت جهانی را مستقر ساخت» (Ibid, p 312). پس دزدی دریایی نه فقط یک دولت خاص بلکه جامعه بین‌المللی و نه تنها اتباع کشورها بلکه حملات دزدان امنیت و ایمنی دریانوردی تجاری، کمک‌های بشردوستانه و محیط زیست دریایی را مورد تهدید قرار می‌دهد. پس جامعه بین‌المللی حق دارد که از طرف خود یک دادگاه بین‌المللی را برای مقابله کیفری با این پدیده و دفاع همگانی از کل جامعه جهانی برقرار سازد.

به عنوان نتیجه می‌توان گفت اگرچه دادگاه کیفری بین‌المللی از نظر مکانی به محل ارتکاب جرم نزدیک نیست اما این نقص را بسیاری از محاکم داخلی محاکمه‌کننده دزدان دریایی نیز دارند. در واقع یکی از دلایلی که بسیاری از کشورها از محاکمه دزدان دریایی امتناع می‌کنند درگیر بودن اتباع بسیاری از کشورها به عنوان بزه دیده و یا مرتکب در جرم و همچنین اینکه جرم در مکانی بسیار دورتر از سرزمین آنها اتفاق افتاده است. لذا یک دادگاه کیفری بین‌المللی می‌تواند خلاء بی‌کیفرمانی دزدان دریایی فعلی را حل و به نمایندگی از جامعه جهانی دزدان دریایی را محاکمه نماید.

۳-۲- هزینه‌های مالی محاکمه جرم دزدی دریایی

اگرچه تعقیب و برگزاری محاکمات دزدی دریایی ممکن است هزینه بر بوده و دادگاه کیفری بین‌المللی نیز در صورت برگزاری این محاکمات بایستی به دنبال منبع تامین هزینه‌های آن باشد، اما برگزاری این محاکمات در محاکم داخلی و یا حتی محاکمه در کنیا به عنوان راهکار جایگزین نیز هزینه‌های اینچنینی را در برخواهد داشت، چراکه جرم دزدی دریایی دارای ماهیتی بین‌المللی می‌باشد. یکی از دلایل عمده عدم تمایل دولت‌ها برای محاکمه دزدان حتی دولت‌هایی که بطور مستقیم از حملات دزدان آسیب دیده‌اند، نیز همین هزینه‌های بالای برگزاری چنین

محاکماتی می‌باشد (Dutton, 2010: 225). در اکثر موارد دولت‌ها بایستی متهمان را مسافت‌های طولانی منتقل نموده و آنها را تا صدور حکم در بازداشت نگه دارند. هزینه مترجم و وکلای آنان را پرداخت و هزینه حاضر کردن شهود از کشورهای دیگر را فراهم آورند.

کنیا یک نمونه واقعی و روشن در این خصوص است. بزه دیدگان و شهود از سراسر دنیا بایستی به کنیا آورده شوند و مترجمان زیادی نیز لازم است و همچنین وکلایی نیز که با حقوق کنیا و با مقررات بین‌المللی آشنایی کافی داشته باید در دسترس باشند. براساس برخی گزارشات، کنیا برای برگزاری چنین محاکماتی نزدیک به ۲,۴ میلیون دلار کمک مالی دریافت داشته است. البته گزارش‌ها حکایت از آن دارد که کنیا و برخی کشورهای دیگر منطقه برای انجام این کار بیش از هفت میلیون دلار دریافت داشته‌اند. علاوه بر این مقامات کنیایی اعلام داشته‌اند که آنها نیازمند کمک‌های مالی بسیار بیشتری برای محاکمه صد متهمی که در سال ۲۰۰۹ تحویل این کشور برای محاکمه شده، می‌باشند. در کنار اینها «در سال ۲۰۰۹ تنها ۱۰ متهم، دادگاه آنها برگزار و محکومیت یافتند» (Thujo Gathi, 2015: 11). البته حتی اگر بتوان برگزاری محاکمات دزدان دریایی از لحاظ اقتصادی باصرفه‌تر از محاکمه در دادگاه‌های بین‌المللی دانست این صرفه‌جویی در هزینه در مقایسه با تضييع حقوق متهمان و حق آنها برای برخورداری از دادرسی منصفانه رنگ می‌بازد.

مقایسه بین بودجه سال ۲۰۱۰ دادگاه کیفری بین‌المللی با هزینه‌های خرج شده برای برگزاری دادگاهها در کنیا نشان می‌دهد که برگزاری این محاکمات در دادگاه کیفری بین‌المللی هزینه‌های غیرمتعارف آنچنانی به دنبال نخواهد داشت. بودجه دیوان در سال ۲۰۱۰ در حدود ۱۴۰ میلیون دلار بوده است اما این بودجه اگرچه به نظر زیاد می‌رسد اما حقوق بیش از ۷۰۰ کارمند و قاضی و تمامی هزینه‌های تعقیب و دادرسی و محاکمه را تکافو می‌کند. به علاوه با این بودجه دادستان‌های دیوان در راستای انجام تحقیقات در رابطه با جرایم علیه بشریت، ژنوسید و جنایات جنگی به سراسر دنیا سفر نموده و تحقیقات انجام می‌دهند و هزینه مترجمان و مسافرت شهود به مقر دیوان پرداخت می‌شود. اگر با ۱۴۰ میلیون دلار، ۷۰۰ نفر حقوق داده می‌شود و تنوع گسترده‌ای از جرایم مورد تحقیق و رسیدگی انجام می‌گیرد، «تشکیل یک کمیته ویژه در دیوان که اختصاصاً به دزدی دریایی پردازد و با مثلاً ۲۰ کارمند، بودجه آنچنانی نخواهد داشت» (Dutton, 2010: 226). با یک محاسبه سرانگشتی و مقایسه بین بودجه فعلی دیوان می‌توان گفت که هزینه تشکیل یک شعبه ویژه در دیوان برای رسیدگی به جرم دزدی دریایی بودجه‌ای نزدیک به ده میلیون دلار

¹ - Consider Proposed Programme Budget for 2010 of the International Criminal Court, International Criminal Court ("2010 ICC Proposed Budget"), Assembly of States Parties, ICC-ASP 8/10 (July 17, 2009). According to Annex V(a) of the 2010 ICC Proposed Budget, the court expects a total staff of approximately 781.

برای هر سال نیاز دارد. لذا محدودیت‌های برگزاری در کنیا (وجود صرفاً سه دادگاه در ایالت مومباسا^۱ برای محاکمه متهمان به دزدی دریایی) و نواقص فراوان آن، صرف ده و یا حتی بیست میلیون برای برگزاری این محاکمات به جای کنیا در دیوان کیفری بین‌المللی و تشکیل یک تیم ویژه رسیدگی به جرم دزدی دریایی هزینه غیرمعقولی نخواهد بود.

۳-۳- ظرفیت حقوقی و تجربه دادگاه

در خصوص جرایم بین‌المللی، دادگاه‌های فراملیتی از توانایی، تجربه، ظرفیت حقوقی و منابع بیشتری از دادگاه‌های داخلی برخوردار هستند. به عنوان مثال یک دادگاه بین‌المللی می‌تواند از تعاریف دقیق تری برای تعیین مفهوم دزدی دریایی بهره‌بردار، بعلاوه قضات، مقامات تعقیب و دیگر اشخاص مرتبط با دادرسی از تجربه و توانایی بیشتری برخوردار هستند. در مقابل بسیاری از دادگاه‌های داخلی که صلاحیت خود را بر جرم دزدی دریایی اعمال می‌کنند فاقد توان و تجربه حقوقی و قضایی کافی و منابع در دسترس برای برگزاری این محاکمات می‌باشند. بعضی دولت‌ها فاقد قوانین شکلی مناسب برای تعقیب جرم دزدی دریایی هستند، خواه به این دلیل که آنها مقررات کنوانسیون حقوق دریاها^۲ و یا کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی علیه امنیت دریانوردی^۳ را در قوانین خود وارد نکرده‌اند و یا اینکه حتی اقدام به جرم‌انگاری دزدی دریایی ننموده‌اند. به علاوه بعضی کشورها مثل سومالی حتی اگر قوانین مکفی در این زمینه هم در اختیار داشته و به محل وقوع جرم نیز نزدیک باشند، توانایی برگزاری محاکمه و تعقیب دزدان دریایی را ندارند و از نظر کارمندان، قضات و نهادهای ذی ربط در این زمینه با مشکلات فراوانی مواجه می‌باشند. علاوه بر این حتی با وجود کمک‌های بین‌المللی برای برگزاری محاکمه‌ها در کشورهای منطقه‌ای، دادگاه‌های بین‌المللی در این زمینه می‌توانند گزینه بهتری به حساب بیایند. تجارب کنیا این موضوع را به ما می‌گوید که علی‌رغم تمامی کمک‌های مالی و انسانی و حقوقی اتحادیه اروپا و آمریکا به این کشور، برگزاری محاکمات در کنیا موفقیت‌آمیز نبوده است. همچنین اگرچه تانزانیا، کشور دیگری در منطقه، آمادگی خود را برای انجام محاکمه متهمان به دزدی دریایی اعلام نموده و قوانین خود را برای تحت‌الشمول قرار دادن جرایمی که در خارج از قلمرو این کشور اتفاق می‌افتد مورد اصلاح قرار داده است ولی همچنان نظام حقوقی این کشور «از دو منظر شکلی و ماهوی با مشکلات فراوانی مواجه می‌باشد» (Guilfoile, 2010: 422). لذا به طور خلاصه می‌توان گفت که برگزاری این محاکمات در کشورهای منطقه یک راه حل کوتاه مدت بوده و نمی‌توان در دراز مدت به آن امید بست.

¹ - Mombasa

² - United Nations Convention on the Law of the Sea (1982)

³ - Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Maritime Navigation (SUA) (1988)

۳-۴- توانایی دیوان برای تضمین و رعایت بی‌طرفی و اصول دادرسی منصفانه

«از ویژگی‌های بارز حقوق کیفری مدرن، اثرپذیری آن از حقوق بشر است و تحقق عدالت کیفری در گرو تدوین، عرضه و رعایت دقیق قوانین شکلی است» (بیگی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۸). اجماع عمومی براینست که دادگاه‌های بین‌المللی در مقایسه با محاکم داخلی کمتر در معرض دخالت‌های سیاسی و نقض بی‌طرفی می‌باشند و با وضع قوانین و مقررات ویژه از توانایی بیشتری برای تضمین دادرسی منصفانه و رعایت حقوق متهمان برخوردارند. در واقع حتی اگر جرم دزدی دریایی توسط دولت‌ها یا ماموران آنها ارتکاب پیدا نکند بعضی دولت‌ها ممکن است از این جرم منافعی را کسب کنند؛ خواه به این دلیل که آنها رشوه و امتیازاتی از دزدان دریافت می‌کنند و یا به این دلیل که آنها دزدی دریایی را به عنوان راهکاری می‌دانند که اتباع آنها می‌توانند از آن به عنوان منبع درآمدی برای گذران زندگی استفاده کنند که در صورت از بین رفتن جرم، آنها این شغل و درآمد را از دست می‌دهند. از اینرو بعضی دولت‌ها از انگیزه‌های کمتری برای محاکمه متهمان به دزدی دریایی که ممکن است برخی از آنها اتباعشان باشند برخوردارند و ممکن است با ایشان حتی یک نوع حس همذات‌پنداری نیز داشته باشند! امری که در یک دادگاه کیفری بین‌المللی با صلاحیت رسیدگی به جرم دزدی دریایی وجود نخواهد داشت.

به علاوه حتی اگر دولت‌ها اقدام به انجام اینگونه محاکمات نیز بنمایند، قوانین و رویه دادرسی آنها در برخی موارد نمی‌تواند تضمین‌کننده رفتارهای انسانی و دادرسی منصفانه‌ای باشد که جامعه بین‌المللی در کلیه محاکمات انتظار رعایت آن را درباره کلیه متهمان دارد. به همین دلیل است که حقوق‌دانان انتقادات زیادی را به نحوه برگزاری محاکمات در کنیا در خصوص عدم توجه به حقوق متهمان یا بدرفتاری با آنان را وارد ساخته‌اند (Thuo Gathii, 2010: 434). یک دادگاه کیفری بین‌المللی می‌تواند این حقوق استقرار یافته برای متهمان و همچنین یک دادرسی بی‌طرفانه و منصفانه را با تمامی مختصات آن برای متهمان به دزدی دریایی نیز فراهم آورد و همچنین این دادگاه بین‌المللی می‌تواند در یکسان‌سازی نحوه برخورد، دادرسی و مجازات دزدان دریایی نیز بسیار موثر باشد. در وضعیت کنونی تشقت و اختلاف فراوانی در قوانین و مقررات شکلی و ماهوی و همچنین نوع و میزان مجازات اعمال شده در مورد دزدان دریایی در میان کشورها مشاهده می‌شود که حتی ممکن است که دو متهمی که هر دو یک عمل مجرمانه واحد را انجام داده‌اند در دو کشور مختلف به دو مجازات بسیار متفاوت از یکدیگر (مثلاً اعدام و حبس

^۱ - یکی از دلایلی که دولت سومالی نمی‌تواند یا نمی‌خواهد که اقدام به محاکمه اتباع درگیر خود در حملات دزدی دریایی کند، ارتباطات فراوان دزدان دریایی با گروه‌های تندرو سومالیایی که با دولت این کشور ارتباط دارند از جمله گروه الشباب می‌باشد. دولت سومالی بیشتر تمایل دارد که مبارزه با دزدی دریایی از طریق سایر دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی نظیر شورای امنیت صورت گیرد تا خود را از انتقام‌گیری یا مشکلات رویارویی با گروه‌های مسلح داخلی برهاند.

کوتاه مدت) محکومیت یابند.

۴- ضرورت قرار گرفتن جرم دزدی دریایی در صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی

دزدی دریایی یک مشکل بین‌المللی بوده و یک دادگاه بین‌المللی با صلاحیت رسیدگی به این جرم می‌تواند به خلاء صلاحیتی موجود و بحث عدم مجازات دزدان دریایی در وضعیت فعلی پایان دهد. در بسیاری از موارد دولت‌ها به دلایلی چون دشواری دسترسی به ادله و یا هزینه‌های فراوان تمایلی برای محاکمه دزدان ندارند و در برخی موارد نیز دولت‌ها توان و قدرت حقوقی لازم برای انجام این محاکمات را ندارند چراکه فاقد ظرفیت حقوقی لازم بوده یا قضات و کادر اداری آنها آموزشهای لازم را فرا نگرفته‌اند. در همه این موارد دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند خلاء موجود را پر نموده و حتی به صورت کلی، هزینه‌های دادرسی نیز می‌تواند کاهش یابد و دیوان با ظرفیت و توان مناسب می‌تواند عهده دار انجام دادرسی‌ها و برگزاری محاکمات راجع به متهمان دستگیرشده دزدی دریایی باشد. همچنانکه بسیاری از دولت‌ها نیز اخیراً پیشنهادهایی را برای تشکیل یک دادگاه بین‌المللی ویژه دزدی دریایی ابراز داشته‌اند.

پس فرضیه و پیشنهاد قابل دفاعی که در این قسمت می‌توان مطرح ساخت اینست که برای حل مشکلات موجود راجع به بی‌کیفرمانی مرتکبان، دزدی دریایی به عنوان یک جرم بین‌المللی در صلاحیت دیوان قرار بگیرد. دلیلی که می‌تواند برای قرار گرفتن دزدی دریایی در صلاحیت دیوان مطرح شود اینست که این دادگاه از قبل ایجاد گردیده، لذا قرار گرفتن دزدی دریایی در صلاحیت دیوان می‌تواند هزینه‌های کمتری را از تاسیس یک دادگاه جدید و ویژه این جرم در پی داشته باشد. دادگاه کیفری بین‌المللی بیشتر از ۱۶ سال است که تشکیل شده و نظام دادرسی، مقررات ویژه و تعداد کارمندان گسترده‌ای دارد. به ویژه اگر دولت‌ها تمایل داشته باشند که پرونده‌های دزدی دریایی در دادگاههای منطقه‌ای مورد رسیدگی قرار گیرد، دیوان می‌تواند شعبه ویژه دزدی دریایی خود را در هر منطقه‌ای که لازم بدانند (مانند منطقه شرق آفریقا) مستقر نماید. لذا این ویژگی مهم می‌تواند صرفه‌جویی زیادی را از نظر مالی به دنبال داشته باشد چراکه دیگر لازم نیست که شهود و متهمان مسافت زیادی را بپیمایند تا در مقر دادگاه یعنی لاهه هلند حضور یابند. در صورتی که دیوان به صورت منطقه‌ای در مورد دزدی دریایی تشکیل یابد امتیاز مهم دیگری که دارد اینکه تجربیات و توانایی‌های خود را با قضات و نظام دادرسی محلی به اشتراک گذارده و ظرفیت و توانایی حقوقی آنها را برای رسیدگی به پرونده‌های دزدی دریایی بالا ببرد.

اگرچه دزدی دریایی می‌تواند به جرایم در صلاحیت دیوان با انجام اصلاحاتی در اساسنامه دیوان اضافه گردد اما بهتر است که این کار از طریق یک پروتکل الحاقی اختیاری به اساسنامه رم

صورت گیرد چراکه برای انجام اصلاحات در اساسنامه پذیرش و امضای دو سوم اعضا لازم می‌باشد که موافقت تعدادی بیشتر از هشتاد دولت را نیازمند است و حتی اگر دولت‌هایی نیز با این اصلاحات موافقت نمایند و در صورت تصویب این اصلاحات از سوی دیگر کشورها، امکان دارد که آنها از تصویب اساسنامه دیوان منصرف شده و به عضویت خود پایان دهند. در مقابل، «یک پروتکل الحاقی صرفاً برای دولت‌هایی لازم الاجرا خواهد بود که آن را به صورت اختیاری امضاء نمایند و نیازی به تصویب این دو سوم اعضا نیز نخواهد داشت» (Stereo, 2012: 524). چنین پروتکلی باید شعبه ویژه ای را در داخل دیوان برای رسیدگی اختصاصی به پرونده های دزدی دریایی ایجاد نماید. چنین شعبه ویژه ای باید با سرعت و دقت و به صورت منصفانه و بی طرفانه پرونده های دزدی دریایی را مورد تعقیب، تحقیقات و رسیدگی قرار دهد. همچنین پروتکل الحاقی می‌تواند در مورد مکان استقرار دادگاه و دیگر مسائل راجع به آن تعیین تکلیف نماید. اما در ادامه مهمترین دلایلی که می‌تواند ضرورت تحت‌الشمول قرار گرفتن دزدی دریایی توسط دادگاه کیفری بین‌المللی را دو چندان سازد مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۴-۱- دزدی دریایی به عنوان جرمی شدید علیه جامعه بین‌المللی

دلایل تنوری و عملی زیادی برای قرار گرفتن دزدی دریایی در صلاحیت دیوان قابل ذکر می‌باشد. دزدی دریایی شبیه دیگر جرایم در صلاحیت دیوان به عنوان جرمی شناخته می‌شود که تمام جامعه جهانی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و بر علیه یک دولت یا کشور خاص نیست. دزدی دریایی اولین جرمی شناخته می‌شود که برای آن صلاحیت جهانی مورد شناسایی قرار گرفته است، «هم به دلیل شناعت و زشتی بیش از حد آن و هم به خاطر اینکه حملات دزدان دریایی بر علیه تمام انسانها و جامعه بشری می‌باشد» (Bulkeley, 2013: 93). در واقع حملات دزدان همه دنیا در بسیاری از نقاط دنیا اتفاق می‌افتد و قربانیان این حملات نیز از کشورهای مختلف می‌باشند. علاوه بر این دزدی دریایی تجارت بین‌المللی را دچار اختلال کرده و اکثر خطوط و آبراه‌های بین‌المللی را ناامن می‌کند و همچنین این حملات خطر وقوع فجایع زیست محیطی را نیز به وجود می‌آورند. دزدی دریایی همچنین کمک های بشردوستانه و برنامه تامین دارو و غذای ملتها و سازمان ملل را نیز دچار اختلال کرده است به نحوی که مدتها ارسال این کمک ها به عنوان مثال به قحطی زدگان سومالی به تاخیر افتاد.^۱

بعلاوه حتی اگر حملات دزدان دریایی قابل مقایسه با به عنوان مثال ژنوسید که قتل عام های دسته جمعی شامل صدها و یا حتی هزاران انسان را شامل می‌شود نباشد اما خشونت و حملات وحشیانه دزدان دریایی به هیچ وجه پایان نخواهد یافت مگر اینکه دزدان دریایی مورد محاکمه قرار گرفته و در پیشگاه عدالت حاضر شوند. در عمل رفتاری که دزدان دریایی نوین مرتکب

^۱ - Report of the Secretary-General on specialized anti-piracy courts in Somalia and other States in the region, 20 January 2012.

می‌شوند به گونه‌ای است که بعضی از رفتارهایی که به عنوان جنایت علیه بشریت شناخته می‌شوند از قبیل قتل عمدی، شکنجه و یا تجاوز به عنف، در حملات دزدان مشاهده می‌شود. از این رو است که برخی نویسندگان، رفتار ارتكابی دزدان دریایی را جنایت علیه بشریت دانسته و آن را در صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی قلمداد می‌کنند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۴: ۲۳۴).

در خصوص جرایم در صلاحیت دیوان، دادستان دیوان اینگونه ابراز داشته است که «وی در تحقیقات خود بیشتر به دنبال افرادی است که مسئولیت بیشتری در ارتكاب جرم دارند و یا کارگردان و مغز متفکر فعالیت های مجرمانه ارتكابی هستند!». حتی اگر مغز متفکر حملات دزدان دریایی در ساحل مخفی شده باشد محاکمه دزدان دریایی درجه دوم نیز بایستی از اولویت برخوردار باشد چرا که آنها نیز به صورت مستقیم در اجرای این اقدامات شدید و وحشیانه به طور مستقیم دخالت داشته اند. در واقع این افراد رده پایین نیز جان و مال افراد بی گناه را مورد تهدید قرار می‌دهند و افراد را با هدف دریافت غرامت و باج به گروگان می‌گیرند. محاکمه این افراد همچنین می‌تواند دریچه‌ای باشد برای دستیابی به ادله و مدارک بیشتر در خصوص افراد اصلی این گروه‌های مسلحانه دزد دریایی که در ساحل، عملیات را هدایت می‌کنند. امری که در دادگاه‌های خاص^۲ یوگسلاوی سابق و رواندا نیز اتفاق افتاد و با تعقیب افراد رده پایین به افراد اصلی تر دست یافتند.

ریچارد گلدستون^۳ دادستان سابق هر دو این دادگاهها براین اعتقاد است که «اقدامات تحقیقاتی وی در مورد افراد درجه چندم جنایات ارتكابی باعث این گردید که این محاکمات پله‌هایی شوند برای اینکه به افراد رده بالاتر دسترسی حاصل شود افرادی که از همان ابتدا غیرممکن بود بتوان آنها را شناخت و محاکمه نمود».^۴

۴-۲- بکارگیری رژیم صلاحیت تکمیلی موجود در دیوان و تاثیر آن در پایان بی‌کیفرمانی دزدان دریایی

رژیم صلاحیتی تکمیلی موجود در دیوان می‌تواند بسیار برای جرم دزدی دریایی مناسب و قابل اعمال باشد (Dutton, 2010: 238). براساس این رژیم دیوان زمانی می‌تواند صلاحیت خود را اعمال نماید که «دولت‌هایی که برای رسیدگی به جرم ارتكابی صلاحیت دارند نخواهند یا نتوانند که ابتدائاً صلاحیت خود را اعمال نمایند» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۴۶). براساس اساسنامه دیوان

¹ - See Living History Interview, Judge Richard Goldstone, 5 Trans L & Contemp Probs 373, 380-81 (1995).

² - Ad hoc Tribunal

³ - Richard Goldstone

⁴ - See Richardson, Time Bomb at 3 (cited in note 6); Report: The Role of the European Union in Combating Piracy, at 4 (cited in note 1).

زمانی دولت «نمی‌خواهد» صلاحیت خود را اعمال کند که به صورت تصنعی وانمود کند که قصد اعمال صلاحیت خود را دارد و یا اینکه قصد واقعی برای تعقیب و محاکمه اشخاص را نداشته باشند خواه اینکه این بخاطر یک تاخیر غیرقابل توجه بوده یا دادرسی به صورت طرفدارانه و جانبدارانه صورت گرفته باشد. ایده اینکه دولت نخواهد محاکمه کند مانع از آن خواهد بود که دولت‌ها دادرسی‌های ساختگی را براه بیندازند و از این طریق مرتکبان را از مجازات‌های بیخشنده، اما عدم توانایی یک دولت برای محاکمه متهمان زمانی است که نظام قضایی این کشور از هم پاشیده شده و لذا این دولت توانایی برگزاری محاکمات را ندارد (Beigi, 2017: 34). پس صلاحیت تکمیلی دیوان می‌تواند سوپاپ اطمینانی برای جلوگیری از بی‌کیفرمانی مجرمان باشد.

لذا صلاحیت تکمیلی دیوان مشابه دیگر جرایم در صلاحیت دیوان می‌تواند در مورد دزدی دریایی نیز مشکل بی‌کیفری دزدان دریایی را حل نماید. دیوان می‌تواند صلاحیت خود را در مورد پرونده‌های دزدی دریایی که دولت‌ها از محاکمه آنها به دلایل متعدد خودداری می‌کنند مستقر سازد؛ برخی به دلیل هزینه بودن، برخی به دلیل عدم دسترسی به ادله، و یا برخی عوامل دیگر. لذا این عوامل می‌توانند در قالب «نخواستن» دولت برای محاکمه متهمان تفسیر شوند. البته این «نخواستن» دولت‌ها در درون خود می‌تواند نوعی «نتوانستن» را داشته باشد؛ چراکه یک دولت ممکن است نتواند منابع کافی از نظر حقوقی و یا مالی را تامین کند و از اینرو نخواهد که این محاکمات را تصدی نماید و البته بایستی معیاری صحیح نیز برای تشخیص این نخواستن دولت‌ها نیز وجود داشته باشد. لذا به طور خلاصه می‌توان گفت استفاده از صلاحیت تکمیلی دیوان به دولت‌ها اجازه می‌دهد که به تعقیب متهمان دزدی دریایی پرداخته، علی‌الخصوص آنهایی که مستقیماً با جرم ارتباط داشته و از مقررات حقوقی و منابع مالی مناسب برخوردار باشند. همانگونه که ایالات متحده در پرونده ماریسک آلاباما اقدام به تعقیب دزدان دریایی نمود. لذا این سیستم دیوان می‌تواند تضمین نماید که دولت‌ها مظنونان به دزدی دریایی را به آسانی رها نمی‌کنند و آنها را از ارتکاب جرم و تهدید اموال و جان انسانهای بیگناه بازگردانند.

۴-۳- عدم ذکر دزدی دریایی در اساسنامه دیوان و رفع چالش صلاحیت این مرجع قضایی

از منظر تاریخی هنگامی که اساسنامه دیوان مورد بررسی قرار می‌گرفت تهیه کنندگان پیش‌نویس، دزدی دریایی را با هدف قرار دادن آن در صلاحیت دیوان مورد مطالعه قرار داده‌اند.^۱ به ویژه در متنی که در سال ۱۹۹۴ توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل برحسب درخواست سازمان ملل آماده شده و تعداد دوازده جرم را از حدود نه سند و معاهده مختلف بین‌المللی را به

¹ - See International Law Commission, Report of the International Law Commission on the work of its forty sixth session ("1994 ILC Draft Statute"), 2 May-22 July 1994, Ch II.B.I.5.1, UN GAOR 49th Sess, Supp No 10, UN Doc A/49/10, Art 20(a)-(e), Cmt 18 and Annex (1994).

عنوان جرایم شدید بین‌المللی قلمداد نمود. این بیانیه کمیته حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۴ شامل جرایم متنوعی از جمله تروریسم، هواپیماربابی، گروگان‌گیری و قاچاق مواد مخدر و... می‌شد. اما بعضی هیاتهای نمایندگی کشورها بر این اعتقاد بودند که صلاحیت دیوان بایستی محدود به جرایم اصلی تجاوز، ژنوسید، جرایم علیه بشریت و جنایت جنگی شود. بنابراین طی بازنگری‌ها در پیش‌نویس اساسنامه کمیته حقوق بین‌الملل، جرایم معاهده به تدریج و در سند نهایی که در کنفرانس ۱۹۹۸ رم به تصویب رسید حذف شدند. در انتها و بعد از مذاکرات فراوان در متن نهایی اساسنامه رم صلاحیت دیوان به جرایم اصلی چهارگانه محدود گردید. با وجود این، از آنجایی که تعداد قابل توجهی از دولت‌ها همچنان مصر بودند که صلاحیت دیوان باید جرایم دیگری مانند تروریسم (که شامل جرایم علیه امنیت دریانوردی نیز می‌شد) و قاچاق مواد مخدر را نیز شامل شود، این توافق میان اعضا شکل گرفت که در آینده کمیته بازنگری برای بررسی جرایمی همچون قاچاق مواد مخدر و تروریسم تشکیل شود برای اینکه بتواند به یک تعریف قابل قبول از آنها دست یافته و از این طریق آنها را وارد در جرایم در صلاحیت دیوان نماید! بنابراین حتی اگر در حال حاضر صلاحیت دیوان فقط چهار جرم را شامل شده این به معنای عدم جواز گسترش شمار این جرایم نبوده و دولت‌هایی نیز هستند که خواستار افزایش جرایم در صلاحیت دیوان می‌باشند.

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که هیات‌های نمایندگی کشورها چند اشکال را بر داخل کردن جرایم مبتنی بر معاهده (تعداد ۱۲ جرمی که از معاهدات قبلی بیرون کشیده شده بود) در صلاحیت دیوان وارد می‌دانستند. به عنوان نمونه بعضی دولت‌ها بر این اعتقاد بودند که محدود کردن جرایم در صلاحیت دیوان احتمالاً مذاکرات تاسیس دادگاه را ساده تر نموده و حمایت‌های بیشتری را به دنبال خواهد داشت. بعضی دیگر بر این اعتقاد بودند که اگر این جرایم مبتنی بر معاهدات قبلی در صلاحیت دیوان قرار بگیرد، دولت‌هایی که عضو معاهدات پیشین نیستند به همان ملاحظاتی که عضو آن معاهدات نشده‌اند به عضویت اساسنامه رم نیز در نخواهند آمد. همچنین این اعتقاد در برخی وجود داشت که این جرایم اضافی بار سنگینی را بر دادگاه تحمیل نموده و بهتر است که بسیاری از این جرایم در دادگاههای داخلی مورد رسیدگی قرار بگیرند و همچنین مشکلات راجع به تعیین مفهوم و ارائه تعریفی از جرایمی مانند تروریسم از مشکلات دیگر بود (Bottini, 2010: 553).

امکان دارد و محتمل است که همه این اشکالات برای ورود دزدی دریایی در صلاحیت دیوان نیز مطرح شوند و مانع شمول صلاحیت دیوان بر دزدی دریایی گردد، اما این اشکالات

¹ - See Final Act of the Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court, UN Doc A/CONF.183/10 at Annex I, Resolution E (1998).

اکنون دیگر وجود ندارند. اولاً، فرایند انجام مذاکرات برای تدوین اساسنامه رم به پایان رسیده، بنابراین تلاش برای وارد نمودن دزدی دریایی در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی تأثیر منفی بر هیچ‌گونه مذاکراتی نداشته یا از حمایت‌ها از دیوان نخواهد کاست. بعلاوه از آنجایی اینکار از طریق یک پروتکل الحاقی انجام خواهد شد لذا مذاکرات راجع به دزدی دریایی می‌تواند کاملاً جدا و منفک از مذاکرات راجع به اصلاح اساسنامه صورت گرفته و مشکلی برای اصل اساسنامه ایجاد ننماید.

همچنین استفاده از پروتکل الحاقی و تاسیس یک شعبه ویژه که اختصاصاً به جرم دزدی دریایی می‌پردازد می‌تواند کاملاً تفکیک و تمایز این جرم را از دیگر جرایم در صلاحیت دیوان آشکار و متمایز سازد. این اقدام باعث از بین رفتن این ترس خواهد شد که ورود دزدی دریایی به جرایم در صلاحیت دیوان، این دادگاه را از مأموریت اصلی خود یعنی مبارزه با جرایم وحشیانه و بسیار شدید بین‌المللی بازخواهد داشت. هرچند که قبلاً نیز اثبات شد که دزدی دریایی خود تا اندازه‌ای همین شدت و شناخت را در برداشته و کل جامعه بین‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دوماً، این موضوع که دولت‌هایی که عضو معاهدات سابق نیستند به سند جدید ملحق نخواهند شد نیز در موضوع دزدی دریایی قابل توجه و اهمیت نیست. چراکه الان و در شرایط فعلی خیلی از دولت‌ها مظنونان به دزدی دریایی دستگیر شده را تحویل کشورهای ثالثی مانند کنیا می‌دهند و لذا آنها مشکلی با تصویب پروتکل الحاقی که ارتباط چندانی به اساسنامه اصلی نداشته و به آنها این فرصت را می‌دهد که متهمان را به یک دادگاه بین‌المللی تحویل بدهند، نخواهند داشت. همچنان که نمایندگان تعداد زیادی از کشورها در گذشته حمایت صریح خود از تاسیس یک دادگاه بین‌المللی برای پرونده‌های دزدی دریایی را ابراز داشته بودند^۱.

همچنین اگرچه ورود دزدی دریایی به صلاحیت دیوان اصطلاحاً سر دیوان را شلوغ خواهد کرد اما همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد این مسئولیت و بار اضافی می‌تواند با کارمندان و کادر جدید و جداگانه تعدیل گردد، به گونه‌ای که به افراد و کارمندان قبلی هیچ فشار مضاعفی وارد نیاید. در واقع اضافه شدن دزدی دریایی به جرایم در صلاحیت دیوان، نباید دادگاه را از دیگر وظایف خود بازدارد، لذا پیشنهاد شعبه جدا و مستقل می‌تواند قابل دفاع باشد. البته این شعبه ویژه در عرض محاکم ملی که متقاضی اعمال صلاحیت بوده و قابلیت فنی و حقوقی انجام اینکار را دارند نبوده و همچنان محاکم داخلی در اولویت نخست اعمال صلاحیت خواهند بود.

یکی از دلایلی که بعضی کشورها همچنان اصرار دارند که تروریسم و قاچاق مواد مخدر در صلاحیت دیوان قرار بگیرند اینست که آنها معتقدند این جرایم در بعضی مواقع آسیب‌ها و

^۱ - از جمله این کشورها می‌توان به دانمارک، آلمان، هلند، روسیه نام برد، و حتی در قطعنامه ۱۹۱۸ سال ۲۰۱۰ شورای امنیت نیز این موضوع مورد حمایت و توصیه قرار گرفته و به تشکیل دادگاههای ویژه دزدی دریایی اشاره شده است.

صدمات فراوانی را به کشورها وارد آورده اما این کشورها توانایی و منابع کافی برای محاکمه مرتکبان را ندارند. اگرچه کشورهای بزرگتری مانند آمریکا به طور مداوم پرونده های قاچاق مواد مخدر را مورد رسیدگی قرار می‌دهند اما «در یک قرن گذشته این کشور فقط یک محاکمه راجع به دزدی دریایی را انجام داده است» (Silva, 2010: 78). لذا تحت صلاحیت قرار گرفتن دزدی دریایی توسط دیوان می‌تواند به این مشکل عدم تمایل و اکراه دولت‌ها برای مجازات دزدی دریایی پایان ببخشد.

بالاخره اینکه برخلاف تروریسم، که بعضی کشورها با ورود آن به صلاحیت دیوان به خاطر بعضی مسائل مانند اختلاف نظر در مفهوم و قلمرو این جرم مشکل داشته و دارند، جرم دزدی دریایی جرمی با قابلیت تعریف واحد را دارد. ارائه تعریفی برای این جرم زمان زیادی طلب نمی‌کند. به علاوه مفهوم موجود در کنوانسیون حقوق دریاها و کنوانسیون سرکوب اعمال غیر قانونی علیه امنیت کشتیرانی از قبل موجود است. همچنین تلاشهایی از سوی سازمان بین‌المللی دریانوردی برای تدوین و تنظیم یک قانون نمونه دزدی دریایی در حال انجام است که خلاء ها و اشکالات تعاریف موجود از جرم دزدی دریایی را پوشانیده و تعریفی منطبق با دزدی دریایی نوین ارائه نمایند. بعلاوه تعریف جرم دزدی دریایی علاوه بر رفع خلاء های موجود می‌تواند امتیازات دیگری را به دنبال داشته باد: تهیه‌کنندگان پیش‌نویس جدید می‌توانند مسائل مربوط به ادله اثباتی و همچنین اصول دادرسی منصفانه را در طرح جدید بگنجانند تا از برخی مشکلات فعلی محاکمات انجام شده در کنیا جلوگیری شود. به هر حال مشکلات موجود در تعریف دزدی دریایی نباید باعث فرار دزدان دریایی از مسئولیت و مجازات گردد لذا این تعریف بایستی با دقت نظر تمام انجام گیرد به گونه‌ای که تمامی اشکال و انواع دزدی دریایی را شامل شده و منطبق با دزدی دریایی نوین باشد.

نتیجه‌گیری

در زمینه مقابله با بحران دزدی دریایی در آبهای بین‌المللی، یکی از مهمترین چالش‌های حقوقی، مشکلات مربوط به تعقیب کیفری و محاکمه متهمان به دزدی دریایی است. در شرایط کنونی بخش اعظم این محاکمات در تعداد معدودی کشور از جمله کنیا و البته با استانداردهای حقوقی نامطلوبی انجام می‌شود. در کنار ضرورت استمرار محاکمه متهمان دزدی دریایی در دادگاههای ملی، یکی از پیشنهادها قابل تامل در جهت مبارزه کیفری با دزدی دریایی و دستیابی به یک سازکار مطلوب برای تعقیب و محاکمه متهمان این جرم، تاسیس شعب ویژه دزدی دریایی در دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) می‌باشد. این دادگاه با اعمال یک نوع صلاحیت

¹ - International Maritime Organization(IMO)

تکمیلی می‌تواند مشکل و خلاء بی‌کیفرمانی فعلی دزدان دریایی را تا حدود زیادی حل نماید. این دادگاه می‌تواند با تاسیس شعب ویژه در مناطقی که فراوانی بروز دزدی دریایی در آنها بالاست در قلمرو کشورهای منطقه تشکیل شده و صلاحیتش صرفاً محدود به همان منطقه متشکل از چند کشور باشد. هر کدام از این شعب ویژه از نظر تعریف جرم دزدی دریایی و ارکان تشکیل دهنده نیز تعریف منحصر به خود را که با ویژگیهای منطقه ایی نیز تطابق دارد را اعمال نموده و البته می‌توانند از لحاظ شکلی و آیین دادرسی به یک شکل واحد عمل نمایند. در این راستا بایستی برخی چالش‌های موجود مانند هزینه‌های رسیدگی، فقدان ظرفیت حقوقی، ملاحظات حقوق بشری و البته مهمتر از همه فقدان یک اراده جدی بین‌المللی برای مقابله موثر با دزدی دریایی را حل و فصل نمود.

منابع

- اسماعیل نسب، حسین (۱۳۹۸)، «عدالت ترمیمی در پرتو آراء سال ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، دوره ۱۶، شماره ۶۱، تابستان، صص ۱۵۵-۱۲۷.
- بیگی، جمال و الناز کتناچی (۱۳۹۷)، «رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی به خسارت معنوی قربانیان تعرضات جنسی»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، سال ۱۵، شماره ۲، پاییز، صص ۲۱-۴۲.
- پوربافرانی، حسن، علی امید و بهروز قلیزاده (۱۳۹۶)، «درآمدی بر یکسان‌انگاری جرم دزدی دریایی با تروریسم (با تأکید بر دزدی دریایی سواحل سومالی)»، *فصلنامه مطالعات حقوقی*، دوره ۹، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۴، تابستان، صص ۲۷-۵۰.
- تقی‌زاده، زکيه (۱۳۹۱)، *تحول مقابله با دزدی دریایی از منظر حقوق بین‌الملل*، تهران، نشر گنج دانش.
- خالقی، علی و سیدسجاد کاظمی (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر صلاحیت دادگاههای ایران در رسیدگی به جرم دزدی دریایی»، *فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره ۲، شماره ۲ و ۳، صص ۷۱-۹۰.
- سجادپور، سیدمحمدکاظم و ارغوان عبدالحسینی (۱۳۹۶)، «ایران و تهدید امنیتی دزدی دریایی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۳۱، شماره ۳، پاییز، صص ۷-۳۶.
- دیهیم، علیرضا (۱۳۸۴)، *درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی*، وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۴)، «تحول در مفهوم دزدی دریایی و آثار آن در پرتو حقوق بین‌الملل»، *مجموعه مقالات همایش تحولات حقوق بین‌الملل دریاهای بیست سال پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون حقوق دریاهای*، تهران، گنج دانش.

- قاسمی، غلامعلی و محمد ستایش‌پور (۱۳۹۷)، «بازاندیشی سازوکارهای حقوق بین‌الملل در محاکمه دزدان دریایی نوین»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۳۲، شماره ۳، پاییز، صص ۱۳۳-۱۵۲.
- کسسه، آنتونیو (۱۳۹۴)، *حقوق کیفری بین‌المللی*، ترجمه زهرا موسوی، اردشیر امیرارجمند، تهران، نشر جنگل، چاپ دوم.
- کوشا، جعفر و سیداحمد سجادی (۱۳۹۷)، «چالش‌های نظام حقوق بین‌الملل معاصر در مبارزه موثر با دزدی دریایی»، *فصلنامه آموزه های حقوق کیفری*، شماره ۱۵، بهار-تابستان، صص ۲۲۵-۱۹۳.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۵)، *دادگاه کیفری بین‌المللی*، تهران، نشر دادگستر، چاپ نهم.
- Archibugi, Daniele and Marina Chiarugi (2016), "Looking for a Jurisdiction for Somali Pirates", **Italian National Research Council**, IRPPS, October.
- Beigi, Jamal (2017), "Criminalization of Human Trafficking upon the Basis of International Criminal Court Status and its Related Challenges", *International Studies Journal (ISJ)*, Vol. 14, No. 2, Fall, pp.33-47.
- Bottini, Gabriel (2010), "Universal Jurisdiction After the Creation of the International Criminal Court", *36 N.Y.U. J. Int'l L. & Pol.*, pp. 549-560.
- Bulkeley, Jennifer C. (2013), "Regional Cooperation On Maritime Piracy: A Prelude To Greater Multilateralism In Asia?", *Journal of Public and International Affairs*, Vol. 14, No.1, Spring, 87-99.
- Dutton, Yvonne (2010), «Bringing Pirates to Justice: A Case for Including Piracy within the Jurisdiction of the International Criminal Court», **Chicago Journal of International Law**, Vol. 11, No. 1, Summer, 221-242.
- Elleman, Bruce A., Andrew Forbes and David Rosenberg (2017), *Piracy and Maritime Crime*, New York: Naval War College Press.
- Final Act of the Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court (1998), **UN Doc A/CONF.183/10 at Annex I, Resolution E.**
- Guilfoile, Douglas (2010) "The Laws Of War And The Fight Against Somali Piracy: Combatants Or Criminals?", *Melbourne Journal of International Law*, Vol 11, No.2, pp. 435-429.
- Huang, Hua-Lun (2016), "Who are sea cutthroats? A Typological Analysis of Pirates", *Crime Law Soc Change*, Spesial Volume, pp. 71-83.
- International Law Commission, Report of the International Law Commission on the work

of its forty sixth session (1994 ILC Draft Statute), 2 May–22 July, *Ch II.B.I.5.1, UN GAOR 49th Sess, Supp No 10, UN Doc A/49/10, Art 20(a)–(e), Cmt 18 and Annex.*

- Joyner, Christopher C. (2009), “Arresting Impunity: The Case for Universal Jurisdiction in Bringing War Criminals to Accountability”, *Law And Contemporary Problems*, Vol. 59: No. 4, pp. 419-429.

- Living History Interview (1995), “Judge Richard Goldstone”, *5 Trans L & Contemp Probs 373*, pp. 380–381.

- Silva, Mario (2010), “Somalia: State Failure, Piracy, and the Challenge to International Law”, *Virginia Journal of International Law*, Vol. 50, No. pp. 554-577.

- Stereo, Milena (2012), “The Somali Piracy Problem: A Global Puzzle Necessitating: A Global Solution”, *HeinOnline - 59 Am. U. L. Rev.*

- Thuo Gathi, James (2015), “Jurisdiction to Prosecute Non-National Pirates Captured By Third States Under Kenyan and International Law”, *Loy. L.A. Int'l & Comp. L. Rev.*, Vol. 3, pp. 7-29.

- Thuo Gathii, James (2010), “Kenya’s Piracy Prosecution”, *American Journal of International Law*, Vol. 104, Issue 3, pp. 416-436.

